

تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک مالیات شرکت و اجتناب مالیاتی بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر مهدی پناهی

استادیار گروه حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران.
Mehdi.panahi1359@gmail.com

دکتر یاسر احمدی

استادیار گروه حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران.
ma_ahmadi64@yahoo.com

سعید ترابی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، پیشوا، ایران. (نویسنده مسئول).
saeedorabi2015@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک مالیات شرکت و اجتناب مالیاتی بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هست. پژوهش حاضر از منظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی - استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. در راستای هدف پژوهش، داده‌های مربوط به ۱۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌های از الگوی رگرسیون چند متغیره و نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۳ استفاده شد. نتایج نشان داد که توانایی مدیریتی باعث افزایش ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بلندمدت می‌شود. مدیران توانا بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی منطبق سازند و به راحتی می‌توانند با توجه به درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند از فرصت‌های ایجاد شده برای برنامه‌ریزی مالیاتی در جهت بالا بردن بازدهی شرکت استفاده کنند.

واژگان کلیدی: توانایی مدیریتی، ریسک مالیات، اجتناب از مالیات.

مقدمه

مدیران، استراتژی‌های مهم مختلفی را اجرا می‌کنند و تصمیم‌های استراتژیک می‌گیرند، از جمله استراتژی‌ها و تصمیم‌ها، برنامه‌ریزی مالیات شرکت است (لی و یون^۱، ۲۰۲۰). از آنجایی که مالیات یکی از مهم‌ترین هزینه‌ها برای اکثر شرکت‌ها است. مدیران با توانایی مدیریتی خود باید با ایجاد استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که می‌تواند برای کاهش بار مالیاتی شرکت‌هایشان انجام شود، آن‌ها را به طور بهینه مدیریت کنند (دیرنگ و همکاران^۲، ۲۰۰۸). توانایی مدیریتی به توانایی مدیران برای مدیریت کارآمد منابع شرکت اشاره دارد (دمرجیان و همکاران^۳، ۲۰۱۲).

این پژوهش، نقش توانایی مدیریتی بر نتایج مالیات شرکت را از نظر ریسک مالیاتی و اجتناب از مالیات بلندمدت بررسی می‌کند. از نظر تئوری و عملی، مدیران نقش محوری در ایجاد ارزش برای سهام‌داران و تعیین موفقیت شرکت را دارند.

¹ Lee and Yoon
² Dyreng et al
³ Demerjian et al

کوستر و همکاران^۱ (۲۰۱۶) رابطه بین ویژگی‌های اجرایی و استراتژی‌های مالیاتی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند، مدیرانی که توانایی بیشتری دارند، به فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی بالاتر، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت روی می‌آورند. کوستر و همکاران (۲۰۱۶) توضیح می‌دهند که مدیران توانمندتر، درک بهتری از محیط شرکت‌های خود دارند، بنابراین به آن‌ها اجازه می‌دهد تا استراتژی‌های مالیاتی را بهتر به کار گیرند. مطابق با نتایج قبلی، دیرینگ و همکاران در سال ۲۰۱۰ به این نتیجه رسیدند که مدیران ارشد نقش مهمی در تصمیم‌گیری در مورد سطوح اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارند (سراگی و علی^۲، ۲۰۲۳).

علاوه بر این، سایر ویژگی‌های مدیریتی که بر استراتژی‌های مالیاتی شرکت تأثیر می‌گذارد عبارت‌اند از خودشیفتگی مدیر ارشد اجرایی (گارسیا و همکاران^۳، ۲۰۲۱)، اعتماد بیش‌ازحد مدیر اجرایی (هسیه و همکاران^۴، ۲۰۱۸)، روابط مدیران اجرایی (شن و همکاران^۵، ۲۰۱۹)، تخصص حسابداری مدیر ارشد مالی و تخصص مالی مدیر اجرایی (هوانگ و ژانگ^۶، ۲۰۲۰).

مدیرعامل، سیاست‌های شرکت را حفظ و اجرا می‌کند و مسئولیت کامل موفقیت یا شکست شرکت را (از جمله دستیابی به نتایج مالیاتی بهینه) بر عهده دارد. هوانگ و ژانگ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که مدیران عاملی که متخصص مالی هستند، تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی شرکت دارند، به‌ویژه زمانی که سیستم نظارت ضعیف است. در این راستا، هوانگ و ژانگ (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که مدیران دارای تخصص مالی، شیوه‌های اجتناب از مالیات را به‌عنوان فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرخطر درک می‌کنند. این گفته‌ها با مطالعات قبلی انجام شده توسط آندرو و همکاران مطابقت دارد. حبیب و حسن^۷ (۲۰۱۷) و یونگ و چن^۸ (۲۰۱۸)، به این نتیجه رسیدند که مدیران توانمندتر با رفتارهای ریسک‌پذیر بیشتری مرتبط هستند و بالعکس.

با در نظر گرفتن چنین شرایطی در زمینه ریسک مالیاتی یک شرکت، می‌توان دریافت که مدیران توانمندتر با سطوح بیشتری از ریسک مالیاتی مرتبط هستند. نوسانات نرخ مالیات نقدی به‌طور کلی با ریسک کلی شرکت مرتبط است. با این حال، مدیران به دنبال بهینه‌سازی سطح اجتناب از مالیات شرکت‌ها با حفظ سطح پایین ریسک مالیاتی (چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت) هستند (لین و همکاران^۹، ۲۰۱۹).

همان‌طور که توسط نظریه رده‌های بالا^{۱۰} توضیح داده شده، ارزش‌ها، تجربه‌ها و شخصیت‌های مدیران به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر تجزیه و تحلیل آن‌ها از شرایط و انتخاب استراتژی‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. فی و هادلک^{۱۱} (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که مدیران به‌عنوان بازیگرانی در نظر گرفته می‌شوند که بیشترین تأثیر را بر نتایج شرکت خود دارند. استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مدیران، چندین پیامد مالیاتی مانند اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی ایجاد می‌کند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پارک و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۶).

¹ Koester et al

² Saragih and Ali

³ Garcia etal

⁴ Hsieh etal

⁵ Shen etal

⁶ Huang and Zhang

⁷ Habib and Hasan

⁸ Yung and Chen

⁹ Lin etal

^{۱۰} نظریه سطوح (رده) بالا، یک نظریه مدیریت است که توسط دونالد سی هامبریک و فیلیس ای. میسون در سال ۱۹۸۴ منتشر شد. بیان می‌کند که نتایج سازمانی تا حدی توسط ویژگی‌های پیشینه مدیریتی تیم مدیریت سطح بالا پیش بینی می‌شود.

¹¹ Fee and Hadlock

¹² Park etal

ریسک مالیاتی به عنوان بزرگی و احتمال نتایج غیرمنتظره از موقعیت‌های مالیاتی نامشخص که احتمالاً بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، تعریف می‌شود. ریسک مالیاتی، ممکن است به دلیل فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی انجام شده توسط شرکت رخ دهد. در همین حال، سایر پیامدهای مالیاتی می‌تواند به صورت اجتناب از مالیات بلندمدت باشد (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸).

با این وجود، پژوهش‌چندانی برای بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ریسک مالیات شرکت و اجتناب مالیاتی بلندمدت، وجود ندارد. دلیل دیگر انجام این پژوهش، وجود تعداد بسیار محدودی از نتایج تجربی در مورد توانایی مدیریتی بر نتایج مالیات شرکت‌ها در زمینه‌های کشورهای در حال توسعه است. اکثر مطالعات تجربی در مورد چنین روابطی، در زمینه کشورهای توسعه یافته انجام شده است (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پارک و همکاران، ۲۰۱۶؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ خورانا و همکاران^۱، ۲۰۱۸). نتایج تجربی قبلی را نمی‌توان به همه کشورهای، به ویژه کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته توسعه نیافته تعمیم داد، زیرا آن‌ها ویژگی‌های متفاوتی دارند، به عنوان مثال، حاکمیت شرکتی ضعیف (ریکسن^۲، ۲۰۱۱)، اجرای ضعیف قوانین مالیات و فرار مالیاتی بالا (چن^۳، ۲۰۱۷).

به ویژه، با تکیه بر تئوری سطوح بالا، این پژوهش، تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک مالیات شرکتی و اجتناب از مالیات بلندمدت را به طور هم‌زمان بررسی می‌کند. از مطالعات قبلی، شواهدی وجود دارد که توانایی مدیریتی بر شیوه‌های اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد (هر دو در جهت‌های مثبت و منفی)؛ با این حال، چگونگی تأثیر آن بر ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بلندمدت به طور هم‌زمان مشخص نشده است؛ بنابراین، این‌ها سوالات تجربی مهمی هستند که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد. انتظار می‌رود این مطالعه، شکاف‌های تجربی در حوزه بررسی نقش توانایی مدیریتی را تا حدودی پر کند. علاوه بر این، تعداد زیادی از آثار آکادمیک که رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها را بررسی می‌کنند، به شدت (به جای تمرکز بر ریسک مالیاتی) بر اجتناب مالیاتی متمرکز شده‌اند (هانلون و هیتسمن^۴، ۲۰۱۰؛ وایلد و ویلسون^۵، ۲۰۱۸؛ ساراگی و علی^۶، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب بیان شده این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی و ریسک مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

پیشینه پژوهش

پیش‌بینی می‌شود مدیران توانمند در کنترل اثربخش منابع، عموماً تصمیماتی اتخاذ نمایند که پرداخت‌های مالیات بر درآمد را کاهش دهند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶). انتظار می‌رود که در شرایط یکسان، مدیران دارای توانایی بیشتر، در مدیریت اثربخش منابع، درگیر اجتناب مالیاتی بیشتری باشند. در این رابطه سه دلیل می‌توان مطرح کرد. نخست، مدیران توانمند درک و فهم بالایی از محیط عملیاتی شرکت خویش دارند. آن‌ها بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و به آسانی فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی و بنا به درک قبلی از محیط عملیاتی شرکت از آن‌ها بهره‌برداری و استفاده کنند. به عنوان مثال، زمان‌بندی، طبقه‌بندی و جهت‌یابی فعالیت‌های تحقیق و توسعه، مفاهیم مهمی برای کسب مزایای مالیاتی هستند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

دوم اینکه، مدیران توانمندتر می‌توانند یک فضای اخلاقی (نظم و ترتیب در سطوح بالای شرکت) با تأکید بر به حداقل رساندن هزینه‌ها ترسیم کنند که در مدیریت اثربخش منابع در راستای رسیدن به اهدافشان مستعدتر خواهد بود. اگرچه

¹ Khurana et al

² Rixen

³ Chen

⁴ Hanlon and Heitzman

⁵ Wilde and Wilson

در کلیه مدیران انگیزه کاهش هزینه‌ها وجود دارد، اما مدیران توانمندتر در مدیریت ثمربخش منابع شرکت در دستیابی به کاهش قابل توجه هزینه‌ها توانایی بیشتری دارند. همچنین، انتظار می‌رود کاهش جریان‌های خروج وجه نقد به مقامات مالیاتی خصوصاً به مدیرانی که به طرز ثمربخشی منابع را مدیریت می‌کنند، واگذار گردد. کاهش در پرداخت مالیات، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد شرکت برجای نمی‌گذارد، درحالی‌که کاهش هزینه‌های عملیاتی (مثل بازاریابی، تولید، نیروی کار و غیره) می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر عملکرد شرکت داشته باشد. به‌عنوان مثال، کاهش بازاریابی می‌تواند باعث کاهش فروش شود و کاهش هزینه تحقیق و توسعه و دستمزد کارکنان مانع نوآوری می‌شود. در مقابل، کاهش هزینه‌های مالیاتی به‌طور مستقیم تأثیرات نامطلوب بر عملکرد شرکت ندارند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که نگرش مدیران در کنترل و مدیریت کارآمد منابع، کاهش هزینه‌ها را از طریق اجتناب از مالیات به شیوه کاملاً جذابی دنبال کنند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

در نهایت، انتظار می‌رود مدیرانی که به‌طور کارآمد منابع شرکت را مدیریت می‌کنند، با اتخاذ تصمیمات تجاری جریان خروجی نقد مالیات بر درآمد را کاهش دهند، زیرا هر ریال مالیات پرداختی، پولی است که نمی‌تواند دوباره در شرکت سرمایه‌گذاری و اندوخته شود و بازده خاصی برای شرکت به دست نمی‌دهد، اما صرفه‌جویی مالیات نقدی می‌تواند به عملیات شرکت به‌منظور ایجاد یک بازده سرمایه‌گذاری مثبت تخصیص یابد. انتظار می‌رود هدایت مجدد منابع شرکت بخصوص برای مدیران توانمندتر برای اداره کارآمد منابع شرکت جذاب‌تر باشد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، دلایل متعددی مبنی بر عدم اجتناب مالیاتی مدیران توانمند نسبت به مدیران با توانایی کمتر وجود دارد. در شرایط یکسان، کلیه مدیران انگیزه به حداکثر رساندن سود پس از مالیات از طریق کاهش مالیات بر درآمد را دارند، اما همه آن‌ها از فرصت‌های برابر به‌منظور اجتناب مالیاتی برخوردار نیستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل مختلف اثرگذار بر اجتناب مالیاتی (شامل ویژگی‌های شرکت)، از تصمیمات راهبردی پیشین مدیران منتج شده‌اند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). اتخاذ تصمیمات راهبردی جدید که ترکیب صنایع تجاری را تغییر داده، عملیات را جابه‌جا کرده، راهبردی‌های تحقیق و توسعه را تغییر دهد و یا به تغییر محل فعالیت شرکت منتهی شود، آن هم به‌منظور اجتناب مالیاتی، ممکن است برای مدیران مقرون‌به‌صرفه نباشد. همچنین پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که طرح‌های جبران خدمات بر اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارد (رگو و ویلسون^۱، ۲۰۱۲؛ آرمسترانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۳؛ گارتنر^۳، ۲۰۱۴).

اگر بیشترین عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی را ویژگی‌های شرکت و طرح‌های جبران خدمات در نظر بگیریم، آنگاه هیچ نقشی برای توانایی مدیریت به‌منظور تأثیر قابل توجه بر سیاست‌های اجتناب از مالیات شرکت‌ها باقی نمی‌ماند. حتی زمانی که پاداش‌ها و فرصت‌های کافی و مؤثر برای کاهش مالیات‌ها وجود داشته باشد، دلایل متعدد دیگری مبنی بر عدم تأثیرگذاری توانایی مدیریت بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی یک شرکت وجود دارد. مدیران دارای درک عمیق از محیط عملیاتی شرکت، ممکن است دانش مالیاتی فنی موردنیاز برای طراحی و تحقق استراتژی‌های اجتناب مالیاتی را نداشته باشند. همچنین ممکن است که مدیران توانمندتر آن قدر بر عملیات تجاری اصلی متمرکز باشند که انگیزه‌های مالیاتی، تصمیمات عملیاتی را تحت تأثیر خود قرار ندهد (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶).

علاوه بر این، مهارت‌های لازم برای مدیریت ثمربخش منابع نیز می‌تواند از آموزش تخصصی و تخصص موردنیاز برای شناسایی و پیاده‌سازی استراتژی‌های اجتناب مالیاتی مجزا باشد. در نهایت، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اجتناب مالیاتی مهم‌تر از فواید نیستند. هزینه‌های مستقیم شامل اختصاص منابع شرکت به برنامه‌ریزی مالیاتی از قبیل نیروی

¹ Rego and Wilson

² Armstrong & et al

³ Gaertner

انسانی بخش مالیات، پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی مالیات، جابه‌جایی مکان فیزیکی عملیات و غیره است (براون و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

هزینه‌های غیرمستقیم شامل هزینه‌های سیاسی، دغدغه‌های شهرت، تأثیرات گزارش مالی و بررسی دقیق حسابرسی صورت‌های مالی و غیره است (گراهام و همکاران^۲، ۲۰۱۴).

یادگیری و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار دادند. بر این اساس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ انتخاب کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد توانایی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش توانایی مدیریت، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که کیفیت کنترل داخلی رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند. یوسف‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) اثرگذاری توانایی مدیریت بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۱۳۰ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۹۹ انتخاب و آزمون شده است. نتایج آزمون‌ها حاکی از آن بود که توانایی مدیریتی بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر تعدیلی ندارد. نتایج پژوهش نیز نشان داد که در مواجهه با محیط‌های بی‌ثبات، مدیران توانمندتر با افق دید بلندمدت، تصمیمات بلندمدت بهتری می‌گیرند و استراتژی‌های بهتری را برای سازگاری با محیط اتخاذ می‌کنند. پس فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات کمتری دارند. تمدنی نژاد (۱۳۹۹) نقش و توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی و سودآوری شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تشکیل داده است. نتایج نشان دهنده این بود، شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند، مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر است. فخری و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را بررسی نمودند. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش برگرفته از صورت‌های مالی ۱۲۰ سال- شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۱ می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین توانایی مدیریت رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آقایی و همکاران (۱۳۹۷) نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار دادند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان داد، بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران توانمندتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت مؤثر است. حسنی و شعری (۱۳۹۶) تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو سنجۀ نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود

¹ Brown & et al

² Graham & et al

حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است. سراگی و علی (۲۰۲۳) تأیید توانایی مدیریتی بر ریسک مالیات شرکت و اجتناب مالیاتی بلندمدت: شواهد تجربی از یک کشور در حال توسعه را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه با استفاده از روش کمی با مدل‌های رگرسیون، با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ انجام شده است. نتایج رگرسیون گزارش می‌دهد که توانایی مدیریتی بر ریسک مالیاتی تأثیر منفی می‌گذارد و بر اجتناب مالیاتی بلندمدت تأثیر مثبت می‌گذارد. شرکت‌هایی که مدیران توانمندتری دارند، ریسک مالیاتی نسبتاً کمتری دارند و در بلندمدت اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با مدیرانی که توانایی‌های بیشتری دارند، متعهدتر به اجتناب از مالیات بلندمدت هستند در حالی که به‌طور هم‌زمان سطح پایین‌تری از ریسک مالیاتی خود را حفظ می‌کنند. کوبی فاخفاخ و بوگاچا^۱ (۲۰۲۳) تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها: شواهدی از شرکت‌های S&P 500 را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه از مجموعه داده‌های تابلویی شرکت‌های سهامی عام ایالات متحده که در شاخص استاندارد و پور ۵۰۰ فهرست شده‌اند، استفاده کرد. بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه داده DATASTREAM که دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۱ را پوشش می‌دهد، از سه پروکسی برای اجتناب مالیاتی استفاده کردند، یعنی نرخ مالیات مؤثر فعلی، نرخ مالیات مؤثر نقدی و تفاوت دفتری مالیات. نتایج نشان داد که شیوع کرونا و ویروس تأثیر مثبتی بر نرخ مؤثر مالیات سال جاری دارد. همچنین تأثیر منفی بر تفاوت دفتری مالیات داشته است که به‌طور کلی نشان‌دهنده کاهش نرخ مالیات مؤثر نقدی در دوره پس از همه‌گیری است. ساراگیچ و علی (۲۰۲۳) نقش پذیرش XBRL در ارتباط بین توانایی مدیریتی و نتایج مالیات شرکت: شواهد تجربی از اندونزی را بررسی نمودند. این مطالعه از روش کمی با مدل‌های رگرسیون داده‌های تابلویی با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ استفاده کرده است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که پذیرش XBRL رابطه بین توانایی مدیریتی در اجتناب از مالیات و ریسک مالیاتی را تعدیل می‌کند. شرکت‌هایی که توانایی مدیریتی بالاتری دارند، شیوه‌های اجتناب مالیاتی نسبتاً بیشتری دارند و ریسک مالیاتی کمتری پس از پذیرش XBRL دارند. عارف و همکاران^۲ (۲۰۲۳) بحران مالی و اجتناب مالیاتی: اثر تعدیل‌کننده همه‌گیری ویروس کرونا را بررسی کرده‌اند. نمونه ایشان، شامل ۳۸۹۵۸ مشاهدات سالانه شرکت از ۳۲ کشور در دوره ۲۰۱۵-۲۰۲۰ است. بحران مالی با استفاده از مدل آلتمن (۱۹۶۸) اندازه‌گیری شد، در حالی که اجتناب مالیاتی بر اساس تفاوت دفتری مالیاتی است. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که از نظر مالی دچار مشکل هستند، اجتناب مالیاتی پایینی را قبل و در طول دوره‌های همه‌گیری ویروس کرونا نشان می‌دهند. نویسندگان اجتناب مالیاتی بیشتری را در طول همه‌گیری در مقایسه با دوره قبل از همه‌گیری پیدا کردند، اما همه‌گیری رابطه منفی بین پریشانی مالی و اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد. راکیا و همکاران^۳ (۲۰۲۳) تأثیر تعدیل‌کننده زنان مدیر بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۷۸ شرکت مالزیایی در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۷ است. نتایج نشان می‌دهد که سطح بالای مسئولیت اجتماعی با اجتناب از مالیات شرکت‌ها در شرکت‌هایی با درصد بالاتری از زنان در هیئت‌مدیره ارتباط منفی دارد. مدیوب و بوژلبنه^۴ (۲۰۲۳) اجتناب از مالیات و هزینه بدهی را مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس نمونه‌ای از ۷۶ شرکت آفریقای جنوبی فهرست شده در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ

¹ Kobbi-Fakhfakh and Bougacha

² Ariff et al

³ Rakia et al

⁴ Medhioub and Boujelbene

از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، نویسندگان مدل‌های رگرسیون را با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان پذیر ساختند و برآورد کردند. نویسندگان دریافتند که شرکت‌هایی که از مالیات اجتناب می‌کنند، به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، هزینه‌های بدهی بیشتری را پرداخت می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تجربی در حوزه تحقیقات توصیفی، رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌هاست. از سویی دیگر این تحقیق از لحاظ روش، علی پس از وقوع است. این تحقیق از نظر هدف نیز کاربردی است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز یکی از مراحل اساسی در تحقیق است که اگر دقت لازم در خصوص صحت اطلاعات گردآوری شده صورت نگیرد، نتایج حاصل از تحقیق نیز مورد تردید خواهد بود. در تحقیق حاضر، به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده خواهد گردید. بدین گونه که اطلاعات مورد نیاز جهت ادبیات تحقیق و مبانی نظری آن از طریق کتاب‌ها، مجلات، مقالات معتبر، پایان‌نامه‌ها و اطلاعات و داده‌های آماری مورد نیاز از طریق منابع سازمان بورس اوراق بهادار تهران، داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی، گردآوری خواهد گردید. روش گردآوری، جمع‌آوری اسناد و مدارک با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و سایت سازمان بورس است. ابزار تحقیق، گزارش‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های مورد تحقیق و گزارش‌های آماری بورس اوراق بهادار تهران است و از منابع زیر داده‌های لازم استخراج می‌گردند:

۱. اطلاعات موجود در سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران و گزارش‌های مالی شرکت‌ها.
 ۲. استفاده از بانک‌های اطلاعاتی جهت استخراج داده‌های تحقیق مانند رهاورد نوین ۳.
- جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و دشواری‌های خاص حاصل از آن و همچنین وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه در ارتباط با داده‌های مورد نیاز پژوهش، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و نمونه آماری پژوهش به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است:
- جامعه آماری این تحقیق، کلیه شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران هستند که قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده تا پایان سال ۱۴۰۱ حضور داشته و از ویژگی‌های زیر، به‌طور هم زمان برخوردار باشند:
- الف) پایان سال مالی شرکت مربوطه ۲۹ اسفند هر سال باشد؛ و جزء شرکت‌های حذفی نباشد.
- ب) به دلیل ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی در مقایسه با شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

ج) به دلیل لزوم محاسبه متغیرهای تحقیق و انجام آزمون فرضیه‌ها در مورد هر شرکت، اطلاعات مورد نیاز در ارتباط با شرکت‌ها، در دسترس باشد.

ز) در طول اجرای پژوهش از لیست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، خارج نشده باشد.

لذا شرکت‌هایی که حائز شرایط فوق نباشند از نمونه آماری بشمار نیامدند که با توجه به شرایط بالا از بین ۵۷۷ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، تعداد اعضای نمونه آماری تعریف می‌شود. با توجه به رعایت شرایط یاد شده بالا، و با استفاده از روش حذف سیستماتیک از بین شرکت‌های واجد شرایط تعداد ۱۸۰ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

به پیروی از مطالعه کوستر و همکاران (۲۰۱۶)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۷) و سراگی و علی (۲۰۲۳) از مدل رگرسیونی شماره ۱ و ۲ برای آزمون فرضیه اول و دوم استفاده خواهد شد.
مدل رگرسیونی شماره یک:

$$CTR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MA_{i,t} + \beta_2 BTM_{i,t} + \beta_3 CE_{i,t} + \beta_4 DER_{i,t} + \beta_5 EPS_{i,t} + \beta_6 FAGE_{i,t} + \beta_7 FSIZE_{i,t} + \beta_8 OCF_{i,t} + \beta_9 PPE_{i,t} + \beta_{10} SALES_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ریسک مالیاتی	CTR
توانایی مدیران	MA
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام	BTM
وجه نقد تقسیم بر دارایی‌ها	CE
نسبت بدهی به دارایی‌ها	DER
نسبت سود هر سهم بر قیمت سهم	EPS
لگاریتم فاصله بین سال تأسیس شرکت تا سال موردنظر	FAGE
لگاریتم دارایی‌ها	FSIZE
جریان نقد عملیاتی بر دارایی‌ها	OCF
اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بر دارایی‌ها	PPE
نسبت درآمد عملیاتی (فروش) بر دارایی‌ها	SALES

مدل رگرسیونی شماره دوم:

$$CLR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MA_{i,t} + \beta_2 BTM_{i,t} + \beta_3 CE_{i,t} + \beta_4 DER_{i,t} + \beta_5 EPS_{i,t} + \beta_6 FAGE_{i,t} + \beta_7 FSIZE_{i,t} + \beta_8 OCF_{i,t} + \beta_9 PPE_{i,t} + \beta_{10} SALES_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

اجتناب مالیاتی بلندمدت	CLR _{TA}
توانایی مدیران	MA
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام	BTM
وجه نقد تقسیم بر دارایی‌ها	CE
نسبت بدهی به دارایی‌ها	DER
نسبت سود هر سهم بر قیمت سهم	EPS
لگاریتم فاصله بین سال تأسیس شرکت تا سال موردنظر	FAGE
لگاریتم دارایی‌ها	FSIZE
جریان نقد عملیاتی بر دارایی‌ها	OCF
اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بر دارایی‌ها	PPE
نسبت درآمد عملیاتی (فروش) بر دارایی‌ها	SALES

جدول (۱): مفاهیم نمادهای به کاررفته در مدل رگرسیونی اول و دوم

فرمول ریاضی	نحوه محاسبه	نام متغیر	نماد	نوع متغیر
$MA = ROA - ROA_{ind}$	تفاوت بین بازده دارایی‌های قبل از مالیات شرکت‌ها و بازده دارایی‌های صنعت.	توانایی مدیران	MA	مستقل

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	نحوه محاسبه	فرمول ریاضی
وابسته	CTR	ریسک مالیاتی	انحراف استاندارد سه ساله از تفاوت‌های دفتری مالیاتی	$CTR=STD(TAXAVOID)$
	CLRTA	اجتناب مالیاتی بلندمدت	با استفاده از تفاوت‌های مالیاتی دفتری در طول سه سال اندازه‌گیری می‌شود	$CLRTA=SUM(TAXAVOID)_{it+it+1+it-1}$
کنترل	BTM	ارزش دفتری به بازار	تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام	$BTM=EQUITY \div (PRICE \times NUMSTOCK)$
	CE	وجه نقد	تقسیم وجه نقد بر جمع کل دارایی	$CE=CASH \div ASSETS$
	DER	اهرم مالی	تقسیم بدهی‌ها بر دارایی‌ها	$DER=DEBT \div ASSETS$
	EPS	سود هر سهم	تقسیم سود هر سهم بر قیمت هر سهم	$EPS=EPS \div STOCK PRICE$
	FAGE	سن شرکت	لگاریتم فاصله بین سال تأسیس شرکت تا سال موردنظر	$FAGE=LOG(AGE)$
	FSIZE	اندازه شرکت	لگاریتم دارایی‌ها	$FSIZE=LN(ASSETS)$
	OCF	جریان نقد عملیاتی	جریان نقد عملیاتی بر دارایی‌ها	$OCF=CASH FLOW \div ASSETS$
	PPE	دارایی ثابت	اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بر دارایی‌ها	$PPE=FIXED ASSETS \div TOTALASSETS$
	SALES	فروش	نسبت درآمد عملیاتی (فروش) بر دارایی‌ها	$SALES=SALES \div ASSETS$

متغیر وابسته اول: ریسک مالیاتی با نماد (CTR)

ریسک مالیات شرکتی، به‌عنوان انحراف استاندارد سه ساله از تفاوت‌های دفتری مالیاتی اندازه‌گیری می‌شود (سراگی و علی، ۲۰۲۳).

تفاوت دفتری مالیات = (تفاوت سود قبل از مالیات و سود مشمول مالیات) تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها
سود مشمول مالیات = هزینه مالیات شرکت تقسیم بر نرخ قانونی مالیات (۲۵ درصد)

متغیر وابسته دوم: اجتناب مالیاتی با نماد (CLRTA)

اجتناب مالیاتی بلندمدت شرکت، با استفاده از تفاوت‌های مالیاتی دفتری در طول سه سال اندازه‌گیری می‌شود. این مجموع سود قبل از مالیات در طول سال قبل، سال جاری و سال بعد است که از مجموع سودهای مشمول مالیات در سال قبل، سال جاری و سال بعد کسر می‌شود، سپس با مجموع کل دارایی‌ها در طول سال مقیاس بندی می‌شود (سراگی و علی، ۲۰۲۳).

متغیر مستقل: توانایی مدیریت با نماد (MA)

توانایی مدیریتی، با استفاده از بازده دارایی‌های تعدیل شده با صنعت (تفاوت بین بازده دارایی‌های قبل از مالیات شرکت‌ها و بازده دارایی‌های صنعت) برآورد می‌شود (سراگی و علی، ۲۰۲۳).
بازده دارایی قبل از مالیات = سود قبل از مالیات تقسیم بر جمع کل دارایی‌های سال جاری

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۲)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ریسک مالیاتی	۰.۰۶۳	۰.۰۴۷	۰.۳۳۵	۰.۰۰۱	۰.۰۵۶	۱.۶۳۴	۵.۸۸۵
اجتناب مالیاتی	۰.۳۴۹	۰.۲۷۰	۱.۹۸۶	-۰.۷۴۶	۰.۳۷۳	۰.۸۹۵	۴.۳۵۱
توانایی مدیران	-۰.۰۰۱	-۰.۰۰۴	۰.۵۰۶	-۰.۴۱۹	۰.۱۲۷	۰.۰۷۳	۳.۶۰۳
نسبت ارزش دفتری به بازار	۰.۳۰۸	۰.۲۳۸	۱.۶۶۴	-۰.۸۷۶	۰.۲۷۶	۱.۱۷۴	۶.۳۴۶
وجه نقد	۰.۰۴۹	۰.۰۳۴	۰.۵۹۹	۰.۰۰۲	۰.۰۵۴	۳.۲۳۵	۲۲.۴۸۱
نسبت بدهی	۰.۵۰۳	۰.۴۹۹	۱.۳۴۲	۰.۰۱۳	۰.۲۲۴	۰.۲۵۳	۳.۱۷۵
نسبت سود هر سهم	۰.۰۸۶	۰.۰۷۲	۰.۸۰۱	-۰.۴۶۱	۰.۱۰۱	۰.۳۲۴	۹.۷۱۷
سال تأسیس	۲.۹۵۷	۲.۹۹۵	۳.۹۸۸	۱.۰۹۸	۰.۴۴۶	-۰.۵۸۶	۴.۳۹۰
لگاریتم دارایی‌ها	۱۵.۴۲۹	۱۵.۱۲۰	۲۱.۳۲۷	۱۱.۳۶۱	۱.۶۸۹	۰.۷۵۷	۳.۶۲۲
جریان نقد عملیاتی	۰.۱۲۶	۰.۱۰۰	۰.۷۲۶	-۰.۳۸۴	۰.۱۴۷	۰.۵۴۲	۳.۸۸۰
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	۰.۲۴۶	۰.۲۰۴	۰.۹۳۲	۰.۰۰۵	۰.۱۸۸	۰.۹۱۱	۳.۳۴۷
نسبت درآمد عملیاتی	۱.۰۱۵	۰.۸۰۶	۶.۶۷۸	۰.۰۱۱	۰.۷۹۵	۲.۵۹۳	۱۲.۷۴۷

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای جریان وجه نقد عملیاتی برابر با (۱/۱۲۶) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای لگاریتم دارایی‌ها برابر با ۱.۶۸۹ و برای ریسک مالیاتی برابر است با ۰.۰۵۶ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر مقدار چولگی منفی است. بطور کلی چنانچه چولگی متغیر در بازه $+0.5$ و -0.5 باشد؛ این متغیر به توزیع نرمال نزدیک است. در بین متغیرهای پژوهش فقط متغیرهای توانایی مدیریت، نسبت بدهی و نسبت سود هر سهم در این بازه قرار دارد و به توزیع نرمال نزدیک است. کشیدگی یا kurtosis نشان‌دهنده ارتفاع یک توزیع است. بطور کلی اگر کشیدگی متغیری برابر با عدد ۳ باشد این متغیر به توزیع نرمال نزدیک خواهد بود. در بین متغیرهای پژوهش فقط متغیر نسبت بدهی به لحاظ کشیدگی تقریباً برابر با ۳ می‌باشد.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

آزمون F لیمر بیانگر این مطلب است که در سطح خطای ۵ درصد ما بین روش رگرسیون پانلی یا تابلویی (Panel) و تلفیقی (Pooling)، باید از روش رگرسیون تابلویی استفاده شود ($p < 0.001$). بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی با استفاده از آزمون هاسمن مدل مناسب‌تر انتخاب شود. اگر سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد روش اثرات ثابت و اگر بالای ۵ درصد باشد روش اثرات تصادفی ارجح است. نتایج آزمون اف لیمر در جدول (۳) و آزمون هاسمن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۴.۳۴۷	۰.۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل دوم	۱۱.۰۴۷	۰.۰۰۰	داده‌های تابلویی

با توجه به جدول (۳)، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده‌های تابلویی (پانل دیتا) در مقابل داده‌های تلفیقی (پول) مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۳۷.۳۷۴	۰.۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ
مدل دوم	۱۵۵.۷۱۰	۰.۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

با توجه به جدول (۴)، چون سطح معناداری آزمون در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو اثرات ثابت عرض از مبدأ در مقابل اثرات تصادفی عرض از مبدأ مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

همسانی واریانس در مقادیر خطا

وقتی خطاها ناهمسان باشند، انحراف معیار عرض از مبدأ بسیار بزرگ می‌شود. انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شکل ناهمسانی بستگی دارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در جدول (۵) ارائه شده است:

جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل‌های پژوهش	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
مدل اول	۲.۸۹۹	۰.۰۰۱	وجود ناهمسانی واریانس
مدل دوم	۷.۹۷۲	۰.۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس

نتایج حاصل در جدول (۵) نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون ناهمسانی واریانس کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد. لازم به توضیح است که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها (با روش وزن دهی به داده‌ها از طریق دستور gls) رفع گردیده است.

خودهمبستگی مقادیر خطا

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش OLS عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول (۶): نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل‌های پژوهش
وجود خودهمبستگی سریالی	۰.۰۰۰	۱۱۹.۷۱۶	مدل اول
وجود خودهمبستگی سریالی	۰.۰۰۰	۱۵۹.۳۴۳	مدل دوم

با توجه به نتایج جدول (۶)، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی است؛ که با استفاده از دستور Auto Correlation در نرم‌افزار، این مشکل رفع شده است.

آزمون هم خطی

اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بودنشان دهنده عدم وجود هم خطی است. به‌عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگ‌تر از ۱۰ باشد هم خطی چندگانه بالا است (سوری، ۱۳۹۴).

جدول (۷): آزمون هم خطی برای مدل رگرسیونی اول و دوم

نام متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
توانایی مدیریت	۱.۸۵۸
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام	۱.۴۳۸
وجه نقد	۱.۱۷۵
نسبت بدهی	۱.۵۶۰
نسبت سود هر سهم	۱.۸۶۸
سال تأسیس	۱.۱۲۴
لگاریتم دارایی‌ها	۱.۱۹۲
جریان نقد عملیاتی	۱.۴۲۲
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	۱.۱۹۴
نسبت درآمد عملیاتی	۱.۱۵۰

همان‌طور که در نتایج آزمون هم خطی در جدول (۷) قابل مشاهده است، مقادیر عامل تورم واریانس کمتر از عدد ۱۰ است که بیانگر عدم وجود هم خطی می‌باشند.

آزمون فرضیه اول

H_0 : توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر معناداری ندارد.

H_1 : توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر معناداری دارد.

جدول (۸): تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	۰.۰۳۹	۰.۰۱۳	۲.۹۷۴	۰.۰۰۳
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام	-۰.۰۲۶	۰.۰۰۱	-۱۸۷.۲۷۵	۰.۰۰۰
وجه نقد	-۰.۰۲۲	۰.۰۰۵	-۳.۷۴۸	۰.۰۰۲
نسبت بدهی	-۰.۰۹۳	۰.۰۰۶	-۱۴۶.۳۲	۰.۰۰۰
نسبت سود هر سهم	۰.۰۴۹	۰.۰۱۰	۴.۹۰۴	۰.۰۰۰
سال تأسیس	۰.۰۷۵	۰.۰۱۴	۵.۰۷۳	۰.۰۰۰
لگاریتم دارایی‌ها	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۱.۱۳۲	۰.۲۵۸

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
جریان نقد عملیاتی	۰.۰۲۷	۰.۰۰۵	۴.۸۸۰	۰.۰۰۰
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰.۰۵۲	۰.۰۰۲	-۲۱.۱۱۹	۰.۰۰۰
نسبت درآمد عملیاتی	-۰.۰۰۶	۰.۰۰۱	-۴.۶۹۱	۰.۰۰۰
عرض از مبدأ	-۰.۱۲۵	۰.۰۲۲	-۵.۶۵۳	۰.۰۰۰
اتورگرسیون مرتبه اول	-۰.۰۰۶	۰.۰۰۴	-۰.۱۵۱	۰.۸۷۹
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۸۳۹			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۲۰.۷۶۰			
دوربین واتسون	۲.۳۲۳			

با توجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو می‌توان گفت که توانایی مدیریت بر ریسک مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۸۳ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

آزمون فرضیه دوم

H₀: توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری ندارد.

H₁: توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر معناداری دارد.

جدول (۹): تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	۰.۰۹۹	۰.۰۲۸	۳.۴۴۶	۰.۰۰۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام	-۰.۰۴۶	۰.۰۱۱	-۴.۰۹۰	۰.۰۰۰
وجه نقد	-۰.۰۰۴	۰.۰۱۶	-۰.۲۷۹	۰.۷۸۰
نسبت بدهی	-۰.۱۲۵	۰.۰۳۰	-۴.۰۷۱	۰.۰۰۱
نسبت سود هر سهم	-۰.۱۶۹	۰.۰۴۷	-۳.۵۸۰	۰.۰۰۴
سال تأسیس	۰.۴۷۹	۰.۰۷۷	۶.۱۹۷	۰.۰۰۰
لگاریتم دارایی‌ها	۰.۰۳۵	۰.۰۰۳	۹.۰۳۶	۰.۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	-۰.۰۱۲	۰.۰۰۵	-۲.۰۶۵	۰.۰۳۹
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰.۱۳۲	۰.۰۱۷	-۷.۵۸۸	۰.۰۰۰
نسبت درآمد عملیاتی	۰.۰۱۳	۰.۰۰۴	۲.۹۳۷	۰.۰۰۳
عرض از مبدأ	-۱.۴۴۵	۰.۱۷۱	-۸.۴۲۱	۰.۰۰۰
اتورگرسیون مرتبه اول	-۰.۰۱۷	۰.۰۱۰	-۱.۷۸۶	۰.۰۷۴
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۸۷۸			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۱۴۸.۹۱۰			
دوربین واتسون	۲.۲۶۷			

با توجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو می‌توان گفت که توانایی مدیریت بر اجتناب از مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۸۷ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۸۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در فرضیه اول این نتیجه حاصل شد که توانایی مدیریت باعث افزایش ریسک مالیاتی می‌شود. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت که: ریسک مالیاتی به‌عنوان بزرگی و احتمال نتایج غیرمنتظره از موقعیت‌های مالیاتی نامشخص که احتمالاً بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، تعریف می‌شود. ریسک مالیاتی، ممکن است به دلیل فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی انجام شده توسط شرکت رخ دهد. همان‌طور که توسط نظریه رده‌های بالا توضیح داده شده، ارزش‌ها، تجربه‌ها و شخصیت‌های مدیران به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر تجزیه و تحلیل آن‌ها از شرایط و انتخاب استراتژی‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. فی و هادلداک (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که مدیران به‌عنوان بازیگرانی در نظر گرفته می‌شوند که بیشترین تأثیر را بر نتایج شرکت خود دارند. استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مدیران، چندین پیامد مالیاتی مانند اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی ایجاد می‌کند (کوستر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پارک و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج فرضیه اول در تضاد با یافته‌های سراگی و علی (۲۰۲۳) است. ایشن دریافتند که رابطه معکوس و معناداری بین توانایی مدیران و ریسک مالیاتی وجود دارد. در کشور ایران پژوهشی در این حوزه انجام نشده است از این رو مقایسه نتایج امکان‌پذیر نیست.

در فرضیه دوم این نتیجه حاصل شد که با افزایش توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی بلندمدت افزایش پیدا می‌کند. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت که: با افزایش توانایی مدیریت، می‌توان انتظار داشت که افراد مسئول در یک سازمان بهترین راهکارها و استراتژی‌های ممکن را برای بهینه‌سازی ساختار مالی شرکت و کاهش مالیات‌ها انتخاب کنند. این ممکن است شامل بهره‌مندی از تخصص‌ها، دانش در زمینه مالی و حساسیت به تغییرات قوانین مالیاتی باشد. با توجه به این نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که اجتناب مالیاتی بلندمدت به‌عنوان یک استراتژی مالی، به‌خصوص زمانی که به‌طور هوشمندانه تدارک دیده شود، می‌تواند منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت شود. این امر می‌تواند تأثیر مثبتی بر سودآوری، نقدینگی و ارزش سهام شرکت داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، مدیریت کسب‌وکار با ایجاد استراتژی‌های موفق در حوزه مالی و مالیاتی می‌تواند به تحقق اهداف مالی بلندمدت شرکت کمک کند. فرضیه دوم در تطابق با یافته‌های سراگی و علی (۲۰۲۳) است. در کشور ایران پژوهشی در ارتباط با اجتناب مالیاتی بلندمدت انجام نشده است. ولی پژوهش تمدنی نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، آقای و همکاران (۱۳۹۷) و حسنی و شعری (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که با افزایش توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند.

بر اساس نتایج فرضیه اول به قانون‌گذاران و سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که الگوی جامع برای اندازه‌گیری ریسک مالیاتی ارائه کرده و بر اساس آن شرکت‌ها را بر اساس میزان ریسک مالیاتی رتبه‌بندی کند. این رتبه‌بندی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری به‌ویژه سرمایه‌گذاران مؤثر باشد. بر اساس نتایج فرضیه دوم به مدیران و تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود در تصمیمات و استراتژی‌های مالیاتی ضمن در نظر گرفتن افق دید بلندمدت، پیامدها و تأثیر احتمالی هر یک از سیاست‌های مالیاتی را موردتوجه قرار دهند. به سرمایه‌گذاران نیز توصیه می‌شود ضمن توجه به استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت‌ها، پیامدهای احتمالی

مربوطه را بر جریانات نقدی و عملکرد آتی شرکت‌ها مورد توجه قرار دهند و اطلاعات مربوط را در الگوی تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند.

حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که در موضوعات زیر به پژوهش بپردازند. در پژوهش حاضر اکثر صنایع تولیدی به‌طور یکجا بررسی شد، پیشنهاد می‌شود که موضوع پژوهش حاضر به تفکیک صنایع بررسی شود و نتایج در سطح هر صنعت مشخص گردد. در پژوهش حاضر از الگوی حداقل مربعات معمولی برای برازش مدل استفاده شده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از الگوی گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده کنند؛ چراکه تفاضل مرتبه اول متغیر وابسته در این مدل در نظر گرفته می‌شود و این مدل از هرگونه خودهمبستگی سریالی به دور است.

منابع

- ✓ آقایی، محمدعلی، حسنی، حسن، باقری، حسن، (۱۳۹۷)، نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صص ۲۴-۴۷.
- ✓ تمدنی نژاد، محمد هادی، (۱۳۹۹)، نقش و توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی و سود آوری شرکت‌ها، مدیریت بازاریابی هوشمند، دوره ۱، شماره ۵، صص ۶۴-۸۰.
- ✓ حسنی القار، مسعود، شعری آناقیز، صابر، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- ✓ فخری، مجید، پازکی، علی، خوشکار، فرزین، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۲۲-۴۱.
- ✓ یادگاری، سعید، قرشی، صدیقه، رجایی زاده هرنندی، احسان، (۱۴۰۲)، تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۴۳-۶۰.
- ✓ یوسف زاده، سارا، بیطاری، جلیل، حسین، بدیعی، (۱۴۰۱)، بررسی اثرگذاری توانایی مدیریت بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و اجتناب مالیاتی، حسابداری مدیریت، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱۴۷-۱۶۲.
- ✓ Ariff, A., Wan Ismail, W. A., Kamarudin, K. A., & Mohd Suffian, M. T. (2023). Financial distress and tax avoidance: the moderating effect of the COVID-19 pandemic. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(3), 279-292.
- ✓ Chen, S. X. (2017). The effect of a fiscal squeeze on tax enforcement: evidence from a natural experiment in China. *Journal of Public Economics*, 147, 62-76.
- ✓ Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- ✓ Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
- ✓ Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163-1189.
- ✓ Fee, C. E., & Hadlock, C. J. (2003). Raids, rewards, and reputations in the market for managerial talent. *Review of Financial Studies*, 16(4), 1315-1357.
- ✓ Garcí'a-Meca, E., Ramon-Llorens, M. C., & Martí'nez-Ferrero, J. (2021). Are narcissistic CEOs more tax aggressive? The moderating role of internal audit committees. *Journal of Business Research*, 129, 223-235.
- ✓ Habib, A., & Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, investment efficiency and stock price crash risk. *Research in International Business and Finance*, 42, 262-274.

- ✓ Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 127-178.
- ✓ Hsieh, T. S., Wang, Z., & Demirkan, S. (2018). Overconfidence and tax avoidance: the role of CEO and CFO interaction. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(3), 241-253.
- ✓ Huang, H., & Zhang, W. (2020). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*. Routledge, 27(3), 312-326.
- ✓ Khurana, I. K., Moser, W. J., & Raman, K. K. (2018). Tax avoidance, managerial ability, and investment efficiency. *Abacus*, 54(4), 547-575.
- ✓ Kobbj-Fakhfakh, S., & Bougacha, F. (2023). The impact of the COVID-19 pandemic on corporate tax avoidance: evidence from S&P 500 firms. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 21(4), 847-866.
- ✓ Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. *Management Science*, 63(10), 3285-3310.
- ✓ Lee, K. Y., & Yoon, S. M. (2020). Managerial ability and tax planning: trade-off between tax and nontax costs. *Sustainability (Switzerland)*, 12(1), 370.
- ✓ Lin, X., Liu, M., So, S., & Yuen, D. (2019). Corporate social responsibility, firm performance and tax,risk. *Managerial Auditing Journal*, 34(9), 1101-1130.
- ✓ Medhioub, N., & Boujelbene, S. (2023). Tax avoidance and cost of debt: does integrated report assurance matter?. *Journal of Accounting in Emerging Economies*. Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- ✓ Park, J., Ko, C. Y., Jung, H., & Lee, Y.S. (2016). Managerial ability and tax avoidance: evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 449-477.
- ✓ Rakia, R., Kachouri, M., & Jarboui, A. (2023). The moderating effect of women directors on the relationship between corporate social responsibility and corporate tax avoidance? Evidence from Malaysia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- ✓ Rixen, T. (2011). Tax competition and inequality: the case for global tax governance. *Global Governance*, 17(4), 447-467.
- ✓ Saragih, A. H., & Ali, S. (2021). Corporate tax risk: a literature review and future research directions. *Management Review Quarterly*, 73(2), 527-577.
- ✓ Saragih, A. H., & Ali, S. (2023). The impact of managerial ability on corporate tax risk and long-run tax avoidance: empirical evidence from a developing country. *Corporate Governance*, 23(5), 1117-1144.
- ✓ Saragih, A. H., & Ali, S. (2023). The role of XBRL adoption on the association between managerial ability and corporate tax outcomes: empirical evidence from Indonesia. *Journal of Applied Accounting Research*, 24(2), 217-234.
- ✓ Shen, Y., Gao, D., Bu, D., Yan, L., & Chen, P. (2019). CEO hometown ties and tax avoidance-evidence from china's listed firms. *Accounting & Finance*, 58(5), 1549-1580.
- ✓ Wilde, J. H., & Wilson, R. J. (2018). Perspectives on corporate tax planning: observations from the past decade. *Journal of the American Taxation Association*, 40(2), 63-81.
- ✓ Yung, K., & Chen, C. (2018). Managerial ability and firm risk-taking behavior. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 51(4), 1005-1032.